مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal
https://www.taj.edu.af/magazine/index.php
دورۀ دوم، شمارۀ دوم، خزان و زمستان ۱٤۰٤
P- ISSN:2664-9144
E- ISSN:3106-4191
DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.02.I.02.06
تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۱۱/۵
تاریخ پذیرش :۱۴۰۴/۱۱۲/۲۵
تاریخ نشر : ۱۴۰۴/۱۲/۲۷

بررسی تأثیر انواع هزینه‌های دولت بر فقر در کشورهای جنوب آسیا طی دوره زمانی ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۳

صدیق الله عزیزی[۱] و پوهنیار مصطفی ابراهیمی[۲]

چکیده

تداوم فقر در کنار رشد اقتصادی در جنوب آسیا، پرسش‌هایی جدی درباره کیفیت تخصیص بودجه عمومی برانگیخته است. این تحقیق باهدف تحلیل تفکیک‌شده تأثیر سهم هزینه‌های دولت در بخش‌های عملیاتی مختلف بر نرخ فقر در هشت کشور جنوب آسیا انجام شد.این مطالعه از نوع کاربردی و روش آن توصیفی–تحلیلی با رویکرد کمی است. از داده‌های تابلویی متوازن دوره ۲۰۱۴–۲۰۲۳ برای کشورهای افغانستان، بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا استفاده شد. متغیر وابسته، نرخ فقر بر اساس خط بین‌المللی ۲.۱۵ دلار و متغیرهای مستقل، نسبت هزینه‌های بهداشت، آموزش، سرمایه‌گذاری زیرساختی، حمایت اجتماعی، دفاع و مدیریت عمومی به‌کل مخارج دولت هستند. مدل نهایی با روش اثرات ثابت و با به‌کارگیری تخمین‌زن خطاهای استاندارد تصحیح‌شده با پنل برآورد شد.

نتایج حاکی از آن است که افزایش سهم هزینه‌های بهداشت، زیرساخت، حمایت اجتماعی و مدیریت عمومی اثر کاهنده و معناداری بر نرخ فقر داشته است. در مقابل، افزایش سهم هزینه‌های آموزش و دفاع با افزایش نرخ فقر همراه بوده است. قوی‌ترین اثر مثبت مربوط به حمایت اجتماعی (ضریب: ۴.۶۹–) و قوی‌ترین اثر منفی مربوط به آموزش (ضریب: ۳.۳۳+) بوده است.ترکیب مخارج دولت عاملی کلیدی در فقرزدایی است. یافته‌ها نشان می‌دهد تمرکز بر هزینه‌های اجتماعی و زیرساختی هدفمند در مقایسه با افزایش صرف بودجه در بخش‌های آموزشی ناکارآمد یا دفاعی، راهبرد مؤثرتری برای کاهش فقر در منطقه جنوب آسیا محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی :مخارج مولد دولت، فقر چندبعدی، داده‌های پنل، سیاست مالی کارآمد، توسعه فراگیر.

[۱] محصل ماستری پوهنحی اقتصاد، پوهنتون کاتب،کابل، افغانستان azizisediq786@gmail.com
[۲] عضو کادر علمی پوهنحی اقتصاد، پوهنتون کاتب،کابل، افغانستان mustafa.ibrahimi@kateb.edu.af

۱ .مقدمه

الحمدُ للهِ ربِّ العالمین، الذی جعلَ العلمَ أساسَ الارتقاءِ الفکری، ووسیلةَ التقدُّمِ الحضاری، وشرعَ البحثَ العلمیَّ منهجًا لاکتشافِ الحقائق وخدمةِ الإنسانیة، والصلاةُ والسلامُ علی سیدِنا محمدٍ، المعلِّمِ الأول، وخاتمِ الأنبیاءِ والمرسلین، وعلی آله وصحبه ومن سارَ علی نهجِهم إلی یومِ الدین.

آسیای جنوبی، شامل افغانستان، بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا، یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق جهان و محل سکونت بخش قابل‌توجهی از فقرای جهان است. باوجود پیشرفت اقتصادی قابل‌توجه در دهه‌های اخیر، این منطقه همچنان با فقر دوام یافته، به‌ویژه در میان جمعیت‌های روستایی و آسیب‌پذیر، دست‌وپنجه نرم می‌کند.

برآوردها نشان می‌دهد نزدیک به یک‌چهارم جمعیت این منطقه زیرخط فقر بین‌المللی زندگی می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۳). این پارادوکس «رشد بدون فراگیری» سؤالات بنیادینی را درباره نقش سیاست‌های عمومی و به‌طور خاص سیاست مالی، در باز توزیع منافع رشد و توانمندسازی اقشار محروم مطرح کرده است (استیگلیتز، ۲۰۱۹). دولت‌های منطقه از ابزار مخارج عمومی برای مداخله در حوزه‌های مختلفی چون آموزش، سلامت و زیرساخت استفاده گسترده‌ای می‌کنند، اما شواهد از نتایج ناهمگون این سرمایه‌گذاری‌ها حکایت دارد (جمل و همکاران، ۲۰۲۰).

بسیاری از مطالعات پیشین به بررسی رابطه کلان مخارج دولت و رشد اقتصادی یا شاخص‌های کلی فقر پرداخته‌اند (بارو، ۲۰۲۱). بااین‌حال، شناسایی اینکه کدام دسته خاص از مخارج دولتی بازده اجتماعی بالاتری در کاهش فقر دارد، برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ضروری است. آیا تخصیص بیشتر منابع به‌نظام سلامت اثربخش‌تر است یا سرمایه‌گذاری در شبکه‌های ایمنی اجتماعی؟ آیا افزایش بودجه آموزش در همه شرایط به کاهش فقر می‌انجامد؟ این تحقیق با تمرکز بر ترکیب بخشی مخارج دولت و با استفاده از یک چارچوب داده‌های تابلویی برای هشت کشور جنوب آسیا در دوره ۲۰۱۴–۲۰۲۳، درصدد پاسخی تجربی به این پرسش‌ها برآمده است. فرض اصلی این است که کیفیت و جهت‌گیری مخارج، حتی مهم‌تر از کمیت آن است.

۲ .مرور ادبیات و چارچوب نظری

۲-۱ .چارچوب نظری: از تئوری‌های کلاسیک تا پارادایم‌های نوین

رابطه بین مخارج دولت و فقر در کانون مباحث اقتصاد توسعه و مالیه عمومی قرار دارد. این رابطه از طریق چندین کانال نظری قابل تبیین است که در طول زمان از مفاهیم کلاسیک به سمت رویکردهای چندبعدی و نهادی تکامل‌یافته‌اند.

۲-۱-۱ .نظریه‌های رشد و سرمایه انسانی

مهم‌ترین چارچوب نظری، تئوری رشد درون‌زا (Endogenous Growth Theory) است که توسط رومر (۱۹۹۰) و لوکاس (۱۹۸۸) بسط داده شد. برخلاف مدل‌های نوکلاسیک که رشد را ناشی از عوامل برون‌زا می‌دانستند، این تئوری بر نقش سرمایه‌گذاری‌های عمداً انجام‌شده دولت در سرمایه انسانی (آموزش و سلامت) و سرمایه فناوری تأکید می‌کند. از این منظر، مخارج دولتی در آموزش و بهداشت، نه‌تنها مصرف، بلکه سرمایه‌گذاری در بهره‌وری است. این سرمایه‌گذاری‌ها با افزایش مهارت‌ها، خلاقیت و سلامتی نیروی کار، موجب افزایش بازدهی نهایی سرمایه فیزیکی، تسریع نوآوری‌های فناورانه و درنهایت، ایجاد رشد اقتصادی پایدار می‌شود. رشد پایدار و فراگیر نیز به‌نوبه خود اصلی‌ترین موتور کاهش فقر درازمدت محسوب می‌شود (آغیون و هاویت، ۲۰۲۱).

در راستای این دیدگاه، نظریه سرمایه انسانی بکر (۱۹۶۴) نیز سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت را تصمیمی عقلایی برای افزایش درآمد آتی می‌داند. دولت با تأمین این خدمات، موانع سرمایه‌گذاری خصوصی را برای فقرا کاهش داده و به بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند.

۲-۱-۲ .نظریه توسعه انسانی و قابلیت‌ها

انتقاد عمده به رویکردهای صرفاً درآمد محور، توسط آمارتیا سن در نظریه قابلیت‌ها (Capability Approach)مطرح شد (سن، ۱۹۹۹). سن استدلال می‌کند که فقر، صرفاً کمبود درآمد نیست، بلکه محرومیت از قابلیت‌های اساسی (توانایی‌های عملی برای دستیابی به زندگی ارزشمند)

مانند سلامت، دانش، مشارکت اجتماعی و امنیت است. از این منظر، هدف توسعه، گسترش آزادی‌های واقعی افراد است. مخارج دولت در خدمات اجتماعی، مستقیماً بر این قابلیت‌ها اثر می‌گذارد. برای مثال، هزینه در بهداشت، قابلیت «داشتن زندگی سالم» و هزینه در آموزش، قابلیت «دانش‌آموختگی» را ارتقا می‌دهد. این دیدگاه، مبنای مفهومی شاخص‌های چندبعدی فقر مانند شاخص فقر چندبعدی (MPI) برنامه عمران ملل متحد شد که امروزه به‌طور گسترده برای سنجش فقر به کار می‌رود (آلکایر و فاستر، ۲۰۱۱؛ برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۲۲). طبق این پارادایم، ارزیابی تأثیر مخارج دولت باید بر مبنای بهبود این قابلیت‌ها و نه صرفاً افزایش درآمد، صورت گیرد.

۲-۱-۳ .نقش زیرساخت‌ها و سرمایه فیزیکی عمومی

سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی (جاده، برق، آب، ارتباطات، بندرها) از دیرباز به‌عنوان یک کالای عمومی با اثرات سرریز مثبت قوی شناخته‌شده است. طبق نظریه رشد درون‌زا، زیرساخت‌ها بهره‌وری سرمایه خصوصی را افزایش می‌دهند (آشائر، ۱۹۸۹). از منظر کاهش فقر، زیرساخت‌ها از دو مسیر عمل می‌کنند:

۱ .**مسیر مستقیم :**ایجاد اشتغال در فرآیند ساخت و نگهداری.

۲ .**مسیر غیرمستقیم :**کاهش هزینه‌های مبادله و حمل‌ونقل برای کسب‌وکارها و خانوارهای فقیر، بهبود دسترسی به بازارها، خدمات و فرصت‌های اقتصادی و افزایش بهره‌وری فعالیت‌هایی مانند کشاورزی (کالدرون و سروِن، ۲۰۱۴؛ بانک جهانی، ۲۰۱۹). مطالعات نشان می‌دهند که دسترسی به زیرساخت‌های پایه، به‌ویژه در مناطق روستایی، یکی از تعیین‌کننده‌های کلیدی خروج از فقر است.

۲-۱-٤ .مکانیسم حمایت اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی

دسته دیگر از مخارج، هزینه‌های حمایت اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی است. این مخارج مبتنی بر نظریه ایمنی اجتماعی (Social Protection) و نقش دولت در کاهش آسیب‌پذیری است. خانوارهای فقیر به دلیل نداشتن پس‌انداز و دسترسی به بازارهای مالی رسمی، در برابر شوک‌هایی مانند بیماری، بیکاری یا بلایای طبیعی بسیار آسیب‌پذیر هستند. این شوک‌ها می‌تواند آن‌ها را به دام فقر شدید بیندازد یا باعث فروش دارایی‌های تولیدی (مانند دام) و ورود به چرخه فقر مزمن شود. برنامه‌هایی مانند انتقال‌های نقدی مشروط یا غیرم شروط، یارانه‌های غذایی و برنامه‌های کار در ازای مزد، به‌عنوان یک شبکه ایمنی عمل کرده و هم مصرف حداقلی را تضمین می‌کنند و هم از استراتژی‌های مقابله‌ای مخرب (مانند ترک مدرسه کودکان) جلوگیری می‌نمایند (بانک جهانی، ۲۰۲۲؛ کنی و موفیت، ۲۰۲۳). نظریه‌های جدید در اقتصاد توسعه نشان می‌دهند که این حمایت‌ها با کاهش نا اطمینانی، حتی می‌توانند به افزایش سرمایه‌گذاری فقرا در فعالیت‌های پرریسک‌تر ولی پربازده‌تر منجر شوند.

۲-۱-۵ .نظریه‌های نهادی و حکمرانی: عامل تعدیلگر کلیدی

انتقاد اصلی به‌تمامی چارچوب‌های فوق، نادیده گرفتن نقش نهادها و کیفیت حکمرانی است. مکتب نهادگرایی جدید (نورث، ۱۹۹۰؛ عجم اوغلو و رابینسون، ۲۰۱۲) استدلال می‌کند که نهادهای سیاسی و اقتصادی–قوانین، هنجارها و دستگاه‌های اجرایی تعیین می‌کنند که آیا منابع مالی به شکل کارآ تخصیص می‌یابند یا در چرخه فساد و ناکارایی هدر می‌روند. این ایده در بحث مخارج دولت به نظریه ظرفیت جذب منجر شده است (پریتیچت، ۲۰۲۰).

- هزینه آموزش در یک سیستم اداری فاسد ممکن است صرف پرداخت حقوق به معلمان «فانتوم» (معلمان که وجود خارجی ندارند) شود.
- هزینه زیرساخت ممکن است به پروژه‌های «فیل سفید» (پروژه‌های پرهزینه و بی‌فایده) یا طرح‌های نیمه‌کاره به دلیل اختلاس تبدیل گردد.
- هزینه حمایت اجتماعی ممکن است به دلیل ضعف در سیستم شناسایی فقرا، به گروه‌های غیرهدف (نشت) برسد.

بنابراین، تأثیر نظری مثبت مخارج بر فقر، مشروط به وجود نهادهای شفاف، پاسخگو و کارآمد است. مطالعات تجربی فراوانی نشان داده‌اند که اثر کاهش‌فقر مخارج دولتی در کشورهای با کیفیت حکمرانی بالاتر، به‌مراتب قوی‌تر است (رجوب و اسوریدسن، ۲۰۲۰).

٦-١-٢ .اثر جابجایی و فرضیه تسخیر دولت

در سوی دیگر طیف، نظریه‌های مبتنی بر اقتصاد سیاسی هشدار می‌دهند که مخارج دولت همیشه در جهت منافع عمومی نیست. نظریه جابجایی می‌گوید مخارج زیاد دولت، به‌ویژه اگر از طریق استقراض تأمین شود، می‌تواند نرخ بهره را بالابرده و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که موتور اصلی اشتغال‌زایی است را کاهش دهد. مهم‌تر از آن، فرضیه تسخیر دولت توسط گروه‌های ذی‌نفع خاص (مانند لابی‌های نظامی، شرکت‌های بزرگ ساختمانی یا اتحادیه‌های قدرتمند) مطرح است (هلمن، جونز، کافمن، ۲۰۰۳). طبق این دیدگاه، ترکیب مخارج دولت ممکن است نه بر اساس نیازهای توسعه‌ای، بلکه بر اساس قدرت چانه‌زنی این گروه‌ها شکل گیرد. برای مثال، بودجه دفاعی یا پروژه‌های بزرگ زیرساختی غیرضروری ممکن است به دلیل نفوذ این گروه‌ها متورم شود و منابع را از بخش‌های حیاتی‌تر مانند بهداشت اولیه منحرف کند. این امر به‌وضوح می‌تواند رابطه مثبت بین برخی مخارج و تداوم فقر را تبیین کند.

۲-۲ .ترکیب نظریه‌ها: یک چارچوب تحلیلی یکپارچه

برای تحلیل تحقیق حاضر، یک چارچوب تحلیلی یکپارچه لازم است که ابعاد مختلف را ترکیب کند:

۱ .**اثر مستقیم قابلیت ساز :**مخارج بهداشت، آموزش و حمایت اجتماعی مستقیماً قابلیت‌های انسانی فقرا را هدف می‌گیرند.

۲ .**اثر غیرمستقیم بهره‌وری افزا :**مخارج بهداشت، آموزش و زیرساخت، با افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، رشد اقتصادی و فرصت‌های شغلی را ایجاد می‌کنند.

۳ .**اثر تعدیل گری حکمرانی :**کیفیت نهادها، قدرت و جهت کلی اثرات فوق را تقویت یا تضعیف می‌کند. کارایی و هدفمندی هر هزینه‌ای توسط این عامل مشروط می‌شود.

۴ .**اثر رقابتی و سیاسی :**در یک بودجه محدود، افزایش سهم یک بخش (مانند دفاع) به معنای کاهش سهم بخش‌های دیگر (مانند بهداشت) است. انتخاب این ترکیب، خود محصول فرآیندهای سیاسی و اقتصادی است.

این چارچوب توضیح می‌دهد که چرا یک نوع مخارج مشخص (مثلاً آموزش) می‌تواند در بافت‌های نهادی مختلف، اثرات کاملاً متفاوتی بر فقر داشته باشد. این تحقیق با در نظر گرفتن این پیچیدگی‌ها، به آزمون تجربی رابطه ترکیب مخارج و فقر در منطقه‌ای با چالش‌های حکمرانی و محدودیت بودجه می‌پردازد.

۲-۳ .پیشینه تجربی

مطالعات جدید با در نظر گرفتن نقش تعدیل گری نهادها، یافته‌های دقیق‌تری ارائه داده‌اند. مثلاً، گوپتا و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای میان کشوری نشان دادند که اثر کاهش‌فقر مخارج آموزشی، در کشورهایی با سطح فساد پایین و حاکمیت قانون قوی، سه برابر بیشتر است. در مورد جنوب آسیا، مطالعه چاترجی و گوش (۲۰۲۳) بر روی ایالت‌های مختلف هند نشان داد که اثرگذاری مخارج بهداشت روستایی بر کاهش مرگ‌ومیر کودکان، به‌شدت به کیفیت سیستم اداری محلی وابسته است. در زمینه حمایت اجتماعی، ارزیابی‌های دقیق از برنامه‌هایی مانند برنامه حمایت درآمد بنیادگر در هند و برنامه همبستگی ملی در افغانستان پیش از ۲۰۲۱ نشان داده که طراحی فنی دقیق و دستگاه‌های پرداخت دیجیتال، نشت منابع را به‌شدت کاهش داده و اثرات مثبت را افزایش می‌دهد (مورخار و همکاران، ۲۰۲۳؛ انصاری و همکاران، ۲۰۲۲). در مقابل، مطالعاتی مانند تحقیق احمد و ماریا (۲۰۲۴) بر روی پاکستان تأیید کرده‌اند که مخارج دفاعی بالا، یک عامل ثابت در کسری بودجه و کاهش فضای مالی برای سرمایه‌گذاری اجتماعی در این کشور بوده است. این تحقیق حاضر با افزودن بعد مقایسه‌ای بین چند کشور و تحلیل هم‌زمان شش رده هزینه، درصدد غنای این ادبیات است.

همچنان مطالعات بین‌المللی عموماً بر تأثیر مثبت مخارج بهداشتی و زیرساختی بر کاهش فقر صحه گذاشته‌اند. بورجیسون و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند سرمایه‌گذاری در سلامت اولیه در کشورهای کم‌درآمد، با کاهش هزینه‌های کمرشکن درمان، مستقیم بر معیشت فقرا اثر می‌گذارد. کالدرون و سروِن (۲۰۱۸) نیز رابطه قوی بین توسعه زیرساخت (به‌ویژه حمل‌ونقل و برق) و کاهش فقر روستایی را در کشورهای درحال‌توسعه تأیید

کردند. در موردحمایت اجتماعی، شواهد قوی از اثربخشی انتقال‌های نقدی هدفمند در کاهش فقر و افزایش سرمایه‌گذاری در سلامت و آموزش کودکان وجود دارد (احمد، ۲۰۲۱؛ بست، ۲۰۲۲).

در زمینه جنوب آسیا، مطالعات نتایج متناقضی را نشان می‌دهند. رحمن و شارما (۲۰۲۲) در یک تحلیل پنلی دریافتند مخارج آموزش و سلامت اثر کاهنده معناداری بر فقر دارند. در مقابل، برخی تحقیق‌ها به ناکارایی‌های ساختاری اشاره‌کرده‌اند. سینگ و مهتا (۲۰۲۴) نشان دادند در هند و نپال، صرف افزایش بودجه آموزشی بدون بهبود کیفیت، تأثیر محدودی داشته است. خاتون و حسین (۲۰۲۳) نیز در بنگلادش دریافتند که مخارج دفاعی رابطه منفی با شاخص‌های توسعه انسانی دارد. شکاف اصلی که این تحقیق به آن می‌پردازد، بررسی هم‌زمان و مقایسه‌ای شش رده اصلی مخارج دولت در یک چارچوب اقتصادسنجی یکسان برای کل منطقه جنوب آسیاست.

۱-۳-۲. مطالعات تطبیقی درباره هزینه‌های دولت و فقر در جنوب آسیا

تحقیقات تطبیقی هیئت‌رئیسه‌ای که مجموعه‌ای از کشورهای جنوب آسیا را بررسی کرده‌اند، الگوهای مشترک و تفاوت‌های کلیدی را آشکار می‌کنند: دسته‌بندی عملکردی مخارج دولت۳ یعنی نسبت هزینه‌های آموزش، بهداشت و حمایت اجتماعی به‌کل مخارج معمولاً قوی‌تر از سطح مطلق مخارج در توضیح کاهش فقر عمل می‌کند؛ مطالعات منطقه‌ای با داده‌های پنل نشان داده‌اند که هر درصد افزایش نسبی در سهم هزینه‌های آموزشی یا بهداشتی معمولاً با کاهش درصدی قابل‌توجه در نرخ فقر همراه است (در برخی بررسی‌ها اثر آموزش اولیه بر فقر بیشتر از آموزش عالی بوده است)، اما این رابطه در کشورهایی با حکمرانی ضعیف یا بازار کار بسیار غیررسمی کمرنگ می‌شود. مطالعات تطبیقی نیز نشان داده‌اند که تزریق بزرگ بودجه به دفاع یا هزینه‌های جاری بدون هم‌افزایی در بخش‌های اجتماعی اغلب با کاهش کمتر یا بدون کاهش فقر همراه بوده است؛ این الگو به‌ویژه در مواردی که دولت‌ها با کسری مالی مواجه‌اند یا ساختار مالیاتی عادلانه ندارند، مشاهده‌شده است. از منظر سیاستی، مقایسه بین کشورها نشان می‌دهد که «بسته سیاستی» مؤثر برای کاهش فقر معمولاً ترکیبی از:

۱. سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت با کیفیت،

۲. سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های محلی (برای اتصال بازارها) و

۳. شبکه‌های حمایت اجتماعی که در مواقع شوک از مصرفی خانوارها محافظت کند، است.

کشورهایی که توانسته‌اند این سه رکن را هم‌زمان و هماهنگ پیش ببرند (مثلاً نمونه‌هایی از بنگلادش، سریلانکا، یا ایالت‌های پیشرو در هند)، کاهش فقر سریع‌تر و پایدارتری را تجربه کرده‌اند. افزون بر این، مطالعات تطبیقی جدید بر استفاده از شاخص‌های چندبعدی فقر توصیه می‌کنند، زیرا برخی سیاست‌ها ممکن است فقر درآمدی را کاهش دهند اما نابرابری در دسترسی به خدمات (آموزش/بهداشت) را همچنان باقی بگذارند؛ بنابراین تحلیل‌های تطبیقی که MPI را وارد می‌کنند تصویر کامل‌تری ارائه می‌دهند. در یک جمع‌بندی روش‌شناختی، پژوهشگران تطبیقی از مدل‌های پنل با اثرات ثابت/اثرات متغیر برای مقابله با آن دوجنسیتی استفاده کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شواهد تجربیِ تأثیرگذاری مخارج اجتماعی بر فقر، زمانی قوی‌تر است که کیفیت نهادها و پیوست سیاست‌های بازار کار در مدل لحاظ شوند؛ بدین معنی که سیاست‌گذاری موفق نیازمند رویکرد چندوجهی و توجه به ظرفیت اجرایی هر کشور است که در ادامه هر کشور به شکل جداگانه بررسی‌شده‌اند.

۱. هند

هند در دوره ۲۰۱۴–۲۰۲۴ شاهد هزینه‌های عمومی نسبتاً پایین در بخش‌های اجتماعی بوده است، به‌طوری‌که هزینه‌های دولت در بخش بهداشت حدود ۱٪ از GDP و در بخش آموزش حدود ۲.۵٪ تا ۳٪ از GDP گزارش‌شده‌اند که پایین‌تر از میانگین جهانی است و این محدودیت در تأمین خدمات اجتماعی با کاهش کمتر فقر چندبعدی نسبت به انتظارات توسعه‌ای همراه بوده است. این داده‌ها نشان می‌دهند که هرچند هزینه‌های دولت در آموزش و بهداشت رشد اندکی داشته، اما به دلیل عدم کافی بودن سهم آن‌ها نسبت به نیازهای جمعیتی، اثرات شدیدی بر ارتقای رفاه و کاهش فقر نداشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه منطقه جنوب آسیا به‌طور میانگین فقط حدود ۱٪ از GDP را به بهداشت اختصاص می‌دهد که کمتر از میانگین جهانی است و این سطح پایین هزینه کرد نشان‌دهنده ضعف در دستیابی به پوشش کامل خدمات است.

---

[3] functional classification

۲. پاکستان

پاکستان یکی از بالاترین هزینه‌های پوشش اجتماعی نسبت به تولید ناخالص داخلی را در جنوب آسیا دارد، به‌طوری‌که گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد این کشور حدود ۴.۸٪ از تولید ناخالص داخلی خود را صرف حمایت اجتماعی می‌کند که از بیشترین نسبت در منطقه است. این سرمایه‌گذاری دولتی در بخش‌های حمایتی توانسته در کوتاه‌مدت از سقوط بیشتر خانوارها به فقر شدید جلوگیری کند، اما سهم هزینه در بهداشت و آموزش همچنان پایین است که این امر در درازمدت مانع شکل‌گیری توسعه انسانی پایدار و کاهش عمیق فقر شده است.

۳. بنگلادش

بنگلادش در جنوب آسیا یکی از کمترین سهم‌ها از هزینه‌های دولت در حمایت اجتماعی نسبت به تولید ناخالص داخلی را دارد و طبق داده‌های جهانی، این کشور و افغانستان جزو پایین‌ترین میزان هزینه کرد حمایتی هستند. این بدان معناست که کمک‌های نقدی، پوشش بیمه‌ای و حمایت‌های هدفمند برای گروه‌های فقیر بسیار محدود است که به شکل کمتر بودن اثر مستقیم بر کاهش فقر نسبت به کشورهایی با نظام حمایتی قوی‌تر ظاهر می‌شود؛ به‌عنوان‌مثال میانگین هزینه حمایتی در جنوب آسیا حدود ۲.۹٪ از GDP است، درحالی‌که در بنگلادش کمتر از آن است.

٤. سریلانکا

سریلانکا یکی از کشورهایی است که نسبت قابل‌توجهی از GDP خود را صرف خدمات اجتماعی کرده است. مطابق داده‌های گزارش هزینه‌های اجتماعی یونیسف ۲۰۲۲ مجموع هزینه‌های دولت در بخش‌های بهداشت، آموزش و حمایت اجتماعی در سریلانکا بالاتر از میانگین جنوب آسیا بوده است حدود ۷,۰٪ از GDP و این هزینه کرد همراه با کاهش مداوم نرخ فقر مطلق و افزایش شاخص‌های توسعه انسانی بوده است. به‌عنوان نمونه، گزارش‌های توسعه انسانی نشان می‌دهند زمانی که دولت سهم بیشتری از بودجه را به بهداشت و آموزش اختصاص می‌دهد، نسبت فقر کاهش‌یافته و دسترسی به خدمات اساسی افزایش‌یافته است. این رابطه مثبت میان سرمایه‌گذاری اجتماعی و کاهش فقر نشان‌دهنده اهمیت هزینه بخش اجتماعی در بهبود شرایط زندگی و رفاه عمومی در سریلانکا است.

٥. نپال

بر اساس گزارش هزینه‌های اجتماعی یونیسف در جنوب آسیا[4]، نپال سهم نسبتاً بالایی از هزینه‌های اجتماعی دارد (آموزش ~۳,۰٪، بهداشت ~۱,۲٪، حمایت اجتماعی ~۳,۵٪ ازGDP) که منجر به افزایش شاخص‌های انسانی و کاهش نسبی فقر در سال‌های اخیر شده است. داده‌های گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد[5] برای نپال نیز نشان داده که افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و خدمات اجتماعی با بهبود شاخص فقر چندبعدی[6] همراه بوده است، زیرا آموزش بهتر، دسترسی به خدمات بهداشتی و حمایت اجتماعی باعث افزایش توان اقتصادی خانوارها و خروج تدریجی از فقر چندبعدی می‌شود.

٦. بوتان

بوتان یکی از کشورهایی در جنوب آسیا است که نسبت قابل‌توجهی از منابع عمومی خود را به آموزش (بیش از ۶٪ ازGDP) اختصاص داده است. بر اساس گزارش هزینه‌های اجتماعی یونیسف در جنوب آسیا[7]، هزینه‌های بالای آموزش و نسبت مناسب بهداشت در بوتان با بهبود چشمگیر شاخص‌های انسانی و کاهش نرخ فقر همراه بوده است. کشورهایی که سرمایه‌گذاری بالاتری در آموزش دارند معمولاً نرخ فقر و نابرابری اجتماعی کمتری گزارش می‌شود زیرا آموزش می‌تواند فرصت‌های اقتصادی را توسعه دهد و توانمندسازی افراد را افزایش دهد.

---

[4] UNICEF South Asia Social Spending Report
[5] UNDP Human Development Reports
[6] Multidimensional Poverty Index
[7] UNICEF South Asia Social Spending Report

۷. مالدیو

مالدیو به‌واسطه هزینه‌ی نسبتاً بالای دولت در بخش سلامت و خدمات اجتماعی یکی از کشورهایی با کمترین نسبت فقر مطلق در جنوب آسیا محسوب می‌شود. به گفته گزارش هزینه‌های اجتماعی یونیسف در جنوب آسیا، سهم نسبتاً بالای خدمات سلامت و حمایت اجتماعی (مثلاً بیش از ۱۰٪ ازGDP) با افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی و حمایت‌های اقشار آسیب‌پذیر همراه بوده است و این باعث کاهش میزان فقر و نابرابری اجتماعی شده است. گزارش‌های شاخص توسعه انسانی UNDP نیز نشان می‌دهد که کشورهایی با سرمایه‌گذاری اجتماعی بیشتر، معمولاً شاخص‌های انسانی بالاتری دارند.

۸. افغانستان

افغانستان در مقابل، یکی از کشورهای با کمترین سهم هزینه‌های دولت در بخش‌های اجتماعی بوده است. بر اساس گزارش هزینه‌های اجتماعی یونیسف در جنوب آسیا، سهم دولت افغانستان در هزینه‌های بهداشت و آموزش نسبت به GDP بسیار پایین‌تر از میانگین منطقه بوده است؛ این محدودیت مالی با ضعف در دسترسی به خدمات اساسی و ادامه نرخ بالای فقر مطلق همراه بوده است. گزارش‌های شاخص‌های توسعه بانک جهانی[8] نشان می‌دهند که عدم سرمایه‌گذاری کافی در بخش‌های اجتماعی باعث شده بخش زیادی از مردم از فرصت‌های بهبود اقتصادی محروم بمانند و فقر مطلق همچنان پابرجا باشد.

٤-۲. متغیرهای تحقیق

۱. هزینه‌های دولت در بخش بهداشت و درمان به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل، نقش کلیدی در کاهش فقر دارد. سرمایه‌گذاری دولت در این بخش می‌تواند دسترسی به خدمات درمانی و سلامت را افزایش داده و از این طریق توانمندی جمعیت آسیب‌پذیر برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و بهبود معیشت آن‌ها را تقویت کند.

۲. هزینه‌های آموزش نیز از دیگر متغیرهای مستقل مهم است. تخصیص منابع به آموزش، به‌ویژه آموزش پایه و مهارت‌های فنی، توانمندی انسانی را ارتقاء داده و فرصت‌های شغلی و درآمدی را افزایش می‌دهد که به کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند.

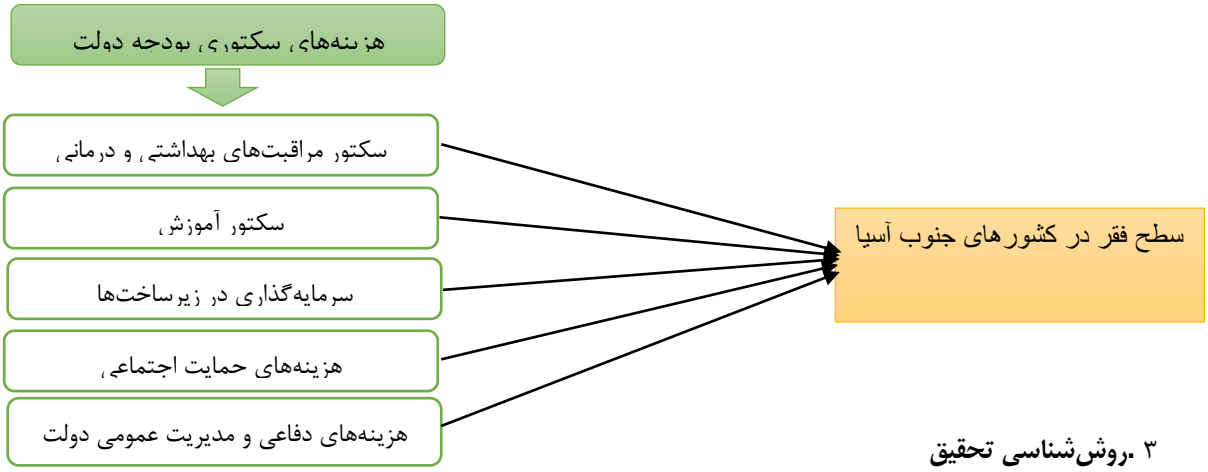
۳. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، شامل جاده‌ها، برق، آب و ارتباطات، به بهبود بهره‌وری اقتصادی و دسترسی به خدمات اساسی منجر می‌شود. این امر می‌تواند با افزایش فرصت‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌های زندگی، اثر قابل‌توجهی بر کاهش فقر داشته باشد.

۴. هزینه‌های حمایت اجتماعی مانند یارانه‌ها و کمک‌های نقدی مستقیم، باهدف حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر طراحی‌شده‌اند و می‌توانند سطح فقر را به‌طور مستقیم کاهش دهند و ثبات معیشتی خانوارها را تقویت کنند.

۵. هزینه‌های دفاع و مدیریت عمومی بخش دیگری از هزینه‌های دولت است که اثر آن بر فقر پیچیده‌تر است. درحالی‌که مدیریت عمومی کارآمد می‌تواند تخصیص منابع را بهینه کرده و اثربخشی سیاست‌های کاهش فقر را افزایش دهد، هزینه‌های بیش‌ازحد دفاعی یا اداری اغلب بازده اجتماعی محدودی دارند و می‌توانند منابع را از بخش‌های مولد دور کنند.

[8] World Bank Development Indicators

شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق



۳ .روش‌شناسی تحقیق

۳-۱ .مدل تحقیق و داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از یک مدل رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده‌شده که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\mathrm{POV}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \mathrm{HEA}_{it} + \beta_2 \mathrm{EDU}_{it} + \beta_3 \mathrm{INF}_{it} + \beta_4 \mathrm{SOC}_{it} + \beta_5 \mathrm{DEF}_{it} + \beta_6 \mathrm{GOV}_{it} + \alpha_i + \varepsilon_{it}$$

در این مدل:

- POV_{it} : : نرخ فقر (درصد جمعیت زیرخط فقر ۲.۱۵ دلار روزانه بر مبنای PPP 2017) برای کشور i در سال t . داده‌ها از پایگاه «فقر و برابری» بانک جهانی استخراج شد.
- HEA_{it}: سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از کل مخارج دولت .
- EDU_{it} : سهم هزینه‌های آموزش از کل مخارج دولت .
- INF_{it} : سهم هزینه‌های سرمایه‌ای (سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص) دولت از کل مخارج (٪). این متغیر به‌عنوان پراکسی برای سرمایه‌گذاری زیرساختی در نظر گرفته شد.
- SOC_{it} : سهم هزینه‌های حمایت اجتماعی و رفاه از کل مخارج دولت.
- DEF_{it} : سهم هزینه‌های دفاعی از کل مخارج دولت.
- GOV_{it} : سهم هزینه‌های عمومی و خدمات عمومی از کل مخارج دولت. داده‌های مربوط به ترکیب مخارج از طبقه‌بندی کارکردی دولت‌ها (COFOG) در پایگاه داده صندوق بین‌المللی پول (IMF) و گزارش‌های بودجه ملی گردآوری شد.
- α_i : اثر ثابت ویژه کشور برای کنترل عوامل ناشناخته ثابت در زمان.
- ε_{it} : جمله خطا.

داده‌ها برای هشت کشور و دوره ده‌ساله (۸۰ مشاهده) جمع‌آوری شد. برای پر کردن شکاف داده‌ای (افغانستان، ۲۰۲۳)، از روش درون‌یابی با در نظر گرفتن روند تاریخی و تعدیل شوک سیاسی استفاده گردید.

۳-۲ .تحلیل آزمون‌های تشخیصی

برای اطمینان از اتکاپذیری نتایج، فرآیند استاندارد آزمون‌های تشخیصی زیر انجام گرفت:

۱ .**آزمون F لیمر (چاو) :**برای انتخاب بین مدل پولینگ و مدل پنل. با توجه به معناداری آماره(F (p=0.0000 ، مدل پنل تأیید شد.

۲ .**آزمون هاسمن :**برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی. با رد فرض صفر(p=0.0001) ، مدل اثرات ثابت انتخاب گردید.
۳ .**آزمون مانایی :**با استفاده از آزمون ریشه واحد لوین–لین–چو .(LLC) نتایج (جدول ۱) نشان داد برخی متغیرها در سطح $I(0)$ و برخی پس از تفاضل اول $I(1)$ مانا هستند.

۴ .**آزمون هم انباشتگی :**با توجه به نا مانایی برخی متغیرها، آزمون پدرونی برای بررسی رابطه بلندمدت انجام شد. معناداری آماره‌های Panel PPو Panel ADF (جدول ۲) وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها را تأیید کرد.

۵ .**بررسی فروض کلاسیک :**آزمون‌های LR و والد وجود ناهمسانی واریانس را تأیید کردند. همچنین، آماره دوربین–واتسن پایین (۰.۱۹) نشان‌دهنده خودهمبستگی مثبت قوی بود. برای حل این مشکلات و دستیابی به برآوردهای کارا و معتبر، از روش[9] (PCSE) پیشنهادشده توسط بک و کاتز (۱۹۹۵) استفاده شد که برای داده‌های پنل با ابعاد زمانی محدود و مقطعی نسبتاً زیاد مناسب است.

جدول ۱: نتایج آزمون مانایی لوین–لین–چو**(LLC)**

متغیر	آماره آزمون (سطح)	سطح معنی‌داری	وضعیت
POV (فقر)	-3.986	0.0000	مانا $I(0)$
HEA(بهداشت)	-0.999	0.0004	مانا $I(0)$
EDU(آموزش)	0.137	0.5545	نامانا
INF (سرمایه‌گذاری)	-3.109	0.1589	نامانا
SOC (حمایت اجتماعی)	4.536	1.0000	نامانا
DEF (دفاع)	12.148	1.0000	نامانا
GOV(مدیریت عمومی)	3.047	0.9988	نامانا
یادداشت: فرض صفر وجود ریشه واحد (نا مانایی) است .			

جدول ۲: نتایج کلیدی آزمون هم انباشتگی پدرونی

آماره آزمون	مقدار	احتمال
Panel PP-Statistic	-5.851	0.0000
Panel ADF-Statistic	-2.134	0.0164
Group PP-Statistic	-6.617	0.0000
یادداشت: فرض صفر عدم هم انباشتگی است .		

٤ .یافته‌ها

نتایج نهایی برآورد مدل اثرات ثابت با استفاده از روش PCSE در جدول ۳ ارائه‌شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده بالا (۰.۸۹۹) حاکی از قدرت تبیین مناسب مدل است.

جدول ۳: نتایج برآورد مدل اثرات ثابت (با خطاهای استاندارد تصحیح‌شده پنلی–PCSE)

تفسیر اثر	مقدار احتمال	آمارهZ	انحراف معیار تصحیح‌شده	ضریب	متغیر توضیحی
کاهش‌دهنده فقر**	۰.۰۰۰۰	۵.۷۱-	۰.۳۸۳۹	۲.۱۹۳۶-	سهم هزینه بهداشت(HEA)
افزایش‌دهنده فقر**	۰.۰۰۰۰	۸.۰۳	۰.۴۱۵۰	۳.۳۳۲۳+	سهم هزینه آموزش(EDU)

[9] Panel-Corrected Standard Errors

کاهش‌دهنده فقر**	۰.۰۰۰۰	۴.۸۰-	۰.۳۸۷۵	۱.۸۶۱۹-	سهم سرمایه‌گذاری(INF)
کاهش‌دهنده فقر**	۰.۰۰۰۰	۱۱.۵۳-	۰.۴۰۶۹	۴.۶۹۰۶-	سهم حمایت اجتماعی(SOC)
افزایش‌دهنده فقر**	۰.۰۰۰۰	۵.۳۱	۰.۲۸۰۰	۱.۴۸۵۶+	سهم هزینه دفاعی(DEF)
کاهش‌دهنده فقر**	۰.۰۰۰۳	۳.۶۶-	۰.۲۰۳۶	۰.۷۴۴۵-	سهم مدیریت عمومی(GOV)
-	۰.۰۰۰۴	۳.۵۱	۷.۸۲۴۲	۲۷.۴۶۹۳	عرض از مبدأ(C)
				۸۰	تعداد مشاهدات
				۸	تعداد کشورها
				۰.۸۹۹۱	R^2(درون‌گروهی)
				۷۱۰.۰۱ (p=0.0000)	آزمون والد(Wald Chi2)
					**معنی‌دار در سطح ۱٪

برای درک بهتر قدرت اثرگذاری نسبی هر متغیر، اولویت‌بندی اثرات بر اساس قدر مطلق ضرایب استانداردشده در جدول ۴ ارائه‌شده است.

جدول ۴: اولویت‌بندی متغیرها بر اساس قدرت اثرگذاری بر نرخ فقر

جهت اثر	ضریب استانداردشده*	متغیر	رتبه
کاهش فقر	۰.۴۸۵-	حمایت اجتماعی(SOC)	**۱**
افزایش فقر	۰.۳۴۵+	آموزش(EDU)	**۲**
کاهش فقر	۰.۲۲۷-	بهداشت(HEA)	**۳**
کاهش فقر	۰.۱۹۳-	سرمایه‌گذاری(INF)	**٤**
افزایش فقر	۰.۱۵۴+	دفاع(DEF)	**٥**
کاهش فقر	۰.۰۷۷-	مدیریت عمومی(GOV)	**٦**
*محاسبه‌شده از حاصل‌ضرب ضریب در انحراف معیار متغیر مستقل تقسیم‌بر انحراف معیار متغیر وابسته.			

٤-١ .تحلیل تفصیلی یافته‌ها

- **هزینه حمایت اجتماعی (SOC) :**با قوی‌ترین اثر کاهنده (ضریب: ۴.۶۹-)، مؤثرترین ابزار سیاستی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت شناسایی شد. این یافته با مطالعات احمد (۲۰۲۱) و برنامه جهانی غذا (۲۰۲۲) هم‌خوانی کامل دارد و نشان می‌دهد شبکه‌های ایمنی اجتماعی هدفمند (مانند انتقال پول نقد) می‌تواند مستقیماً مصرف و امنیت غذایی خانوارهای فقیر را بهبود بخشد.
- **هزینه آموزش (EDU) :**اثر مثبت و معنادار این متغیر (ضریب: ۳.۳۳+) نیازمند تأمل است. این نتیجه لزوماً به معنای بی‌فایده بودن آموزش نیست، بلکه می‌تواند نشانه ناکارایی تخصیصی و مشکلات ساختاری در نظام‌های آموزشی منطقه باشد. مواردی همچون: ۱) تمرکز هزینه‌ها بر حقوق کارکنان اداری به‌جای بهبود کیفیت آموزش، ۲) عدم تطابق محتوای آموزشی با نیازهای بازار کار و مهارت‌های اشتغال‌زا، ۳) نابرابری شدید در دسترسی به آموزش باکیفیت بین مناطق شهری و روستایی و گروه‌های درآمدی. در چنین شرایطی، افزایش بودجه ممکن است تنها ناکارایی موجود را بزرگ‌تر کند (آل مأمون و رحیم، ۲۰۲۵).

- **هزینه بهداشت (HEA) و سرمایه‌گذاری (INF) :**اثر کاهنده معنادار این دو متغیر، مؤید نظریه رشد درون‌زا و مطالعاتی مانند بارنیگهاوزن و همکاران (۲۰۲۰) است. سرمایه‌گذاری در سلامت، بهره‌وری نیروی کار را افزایش و هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده خانوار را کاهش می‌دهد. توسعه زیرساخت نیز دسترسی به بازار و خدمات را تسهیل و هزینه مبادله را برای فقرا کم می‌کند.

- **هزینه دفاعی (DEF) :**رابطه مثبت آن با فقر، از فرضیه جابه‌جایی (Crowding-out) حمایت می‌کند. در اقتصادهایی با محدودیت بودجه، افزایش سهم بودجه نظامی، منابع لازم برای مخارج اجتماعی و تولیدی را کاهش می‌دهد (فرناندز سالگرو، ۲۰۲۵).

- **هزینه مدیریت عمومی (GOV) :**اثر منفی کوچک‌تر آن می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که بهبود کارایی حکمرانی و اداره امور، اگرچه غیرمستقیم، از طریق کاهش فساد و تخصیص بهینه‌تر منابع، به کاهش فقر کمک می‌کند.

۵ .نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پالیسی ساز

۵-۱ .نتیجه‌گیری

با توجه به اهداف پژوهش و نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌های تابلویی در فصل چهارم، می‌توان نتایج تحقیق را به‌صورت منسجم و مبتنی بر شواهد تجربی به شرح زیر بیان نمود. این پژوهش باهدف بررسی تأثیر انواع هزینه‌های دولت بر سطح فقر در کشورهای جنوب آسیا طی دوره زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ انجام شد و از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت مقطعی به‌عنوان مناسب‌ترین روش برآورد استفاده گردید.

نتایج برآورد مدل نهایی نشان داد که هزینه‌های بهداشت دارای اثر منفی و معنادار بر فقر هستند. این یافته بیانگر آن است که افزایش مخارج دولت در بخش بهداشت، از طریق بهبود سلامت نیروی کار، افزایش بهره‌وری اقتصادی و کاهش هزینه‌های درمانی خانوارها، نقش مؤثری در کاهش سطح فقر ایفا می‌کند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری در بخش سلامت عمومی یکی از ابزارهای کارآمد سیاست‌گذاری برای کاهش فقر در کشورهای جنوب آسیا محسوب می‌شود.

همچنین، نتایج نشان داد که هزینه‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها اثر منفی و معناداری بر فقر دارند. توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، ازجمله حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات، زمینه‌ساز رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش دسترسی اقشار کم‌درآمد به خدمات عمومی می‌گردد و درنتیجه، موجب کاهش سطح فقر می‌شود. این نتیجه با نظریه‌های توسعه اقتصادی و شواهد تجربی مطالعات پیشین همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هزینه‌های حمایت اجتماعی قوی‌ترین اثر کاهنده را بر فقر در میان متغیرهای موردبررسی دارند. ضریب بالای این متغیر نشان می‌دهد که برنامه‌های حمایت اجتماعی، نظیر کمک‌های نقدی، یارانه‌ها و شبکه‌های تأمین اجتماعی، نقش بسیار مؤثری در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و کاهش شدت و گستره فقر ایفا می‌کنند. این نتیجه بر اهمیت هدفمندسازی و تقویت سیاست‌های حمایتی دولت‌ها تأکید می‌نماید.

از سوی دیگر، هزینه‌های مدیریت عمومی نیز دارای اثر منفی و معنادار بر فقر هستند. این یافته بیانگر آن است که بهبود کارایی نظام اداری، ارتقای کیفیت حکمرانی و استفاده مؤثر از منابع عمومی می‌تواند به تخصیص بهینه مخارج دولت و درنهایت کاهش فقر منجر شود. مدیریت کارآمد، از طریق کاهش اتلاف منابع و بهبود ارائه خدمات عمومی، نقش غیرمستقیم اما مهمی در فقرزدایی دارد.

در مقابل، نتایج تحقیق نشان داد که هزینه‌های آموزش دارای اثر مثبت و معنادار بر فقر در دوره موردمطالعه بوده‌اند. این یافته بیانگر آن است که افزایش مخارج آموزشی لزوماً به کاهش فقر منجر نشده و حتی در کوتاه‌مدت می‌تواند با افزایش فقر همراه باشد. این امر می‌تواند ناشی از ناکارایی هزینه‌های آموزشی، عدم انطباق نظام آموزش با نیازهای بازار کار، کیفیت پایین آموزش و یا تمرکز این مخارج بر گروه‌های غیرهدف باشد؛ بنابراین، صرف افزایش بودجه آموزش بدون توجه به کیفیت، کارایی و جهت‌گیری آن، نمی‌تواند به‌طور مؤثر فقر را کاهش دهد. همچنین، هزینه‌های دفاعی اثر مثبت و معناداری بر فقر داشته‌اند که نشان‌دهنده افزایش سطح فقر با افزایش این نوع مخارج است. این یافته بیانگر آن است که تخصیص منابع محدود دولت به بخش دفاعی، می‌تواند موجب کاهش منابع در دسترس برای بخش‌های اجتماعی و توسعه‌ای شده و درنتیجه، روند فقرزدایی را تضعیف نماید. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای درحال‌توسعه و کم‌درآمد جنوب آسیا از اهمیت بالایی برخوردار است.

درمجموع، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ترکیب و جهت‌گیری هزینه‌های دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش یا افزایش فقر دارد. مخارج اجتماعی، بهداشتی، زیرساختی و مدیریت عمومی در صورت تخصیص هدفمند و کارا می‌توانند به‌طور معناداری فقر را کاهش دهند، درحالی‌که افزایش هزینه‌های دفاعی و ناکارایی در هزینه‌های آموزشی ممکن است اثر معکوس بر فقر داشته باشد. این یافته‌ها شواهد تجربی معتبری را برای تأیید فرضیه‌های پژوهش فراهم نموده و مبنای مناسبی برای ارائه پیشنهادهای سیاستی در راستای کاهش پایدار فقر در کشورهای جنوب آسیا فراهم می‌سازد.

۲-۵. مناقشه

در این بخش، نتایج حاصل از پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات پیشین مقایسه و تحلیل می‌شود تا میزان هم‌سویی یا تفاوت آن‌ها روشن گردد و جایگاه علمی نتایج تحقیق در ادبیات موضوع مشخص شود. به‌طورکلی، نتایج این پژوهش در خصوص اثر کاهنده هزینه‌های بهداشت بر فقر با بخش قابل‌توجهی از پیشینه تحقیق همخوانی کامل دارد. مطالعات(2022) Rahman ، (2024) Bashir، Al Mamun et al. (2025) ، (2025) WHOو گزارش‌های بانک جهانی و UNDP نشان داده‌اند که افزایش مخارج دولت در بخش سلامت، از طریق کاهش هزینه‌های درمانی خانوارها، افزایش بهره‌وری نیروی کار و کاهش آسیب‌پذیری اقشار فقیر، نقش مهمی در کاهش فقر ایفا می‌کند. یافته‌های این پژوهش که اثر منفی و معنادار هزینه‌های بهداشت بر فقر را تأیید می‌کند، این اجماع نظری و تجربی را در سطح کشورهای جنوب آسیا تقویت می‌نماید.

همچنین، اثر منفی و معنادار هزینه‌های سرمایه‌گذاری زیرساختی بر فقر با نتایج تحقیقات(2022) Sharma ، (2022) ADB، Faruque (2021) و گزارش‌های (2021) ADB و (2020) UNDP هم‌راستا است. این مطالعات نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هایی چون سرک‌ها، برق، آب و ارتباطات، از طریق ایجاد اشتغال، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و افزایش دسترسی مناطق محروم به خدمات عمومی، موجب کاهش فقر می‌شود؛ بنابراین، یافته پژوهش حاضر مؤید نقش کلیدی زیرساخت‌ها به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای فقرزدایی در کشورهای درحال‌توسعه است.

در خصوص هزینه‌های حمایت اجتماعی، نتایج این پژوهش که نشان‌دهنده قوی‌ترین اثر کاهنده این متغیر بر فقر است، با یافته‌های Khan (2021)، (2022) WFP، (2023) EU-UNICEF و (2021) Rasul هم‌خوانی کامل دارد. این مطالعات تأکید می‌کنند که برنامه‌های حمایتی هدفمند، به‌ویژه کمک‌های نقدی و غذایی، درصورتی‌که پایدار و دقیقاً متوجه اقشار آسیب‌پذیر باشند، می‌توانند اثر قابل‌توجه و حتی فوری بر کاهش فقر داشته باشند. هم‌سویی نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی، در مقایسه با بسیاری از ابزارهای دیگر، از اثربخشی بالاتری در کاهش فقر برخوردارند.

یافته‌های مربوط به اثر منفی هزینه‌های مدیریت عمومی بر فقر نیز با نتایج تحقیقات (2021) Barfield و (2024) Singh هم‌راستا است. این مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت حکمرانی، کارایی نظام اداری و مدیریت مؤثر بودجه عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی مخارج دولت دارد. نتایج پژوهش حاضر تأیید می‌کند که بهبود مدیریت عمومی، حتی بدون افزایش قابل‌توجه حجم مخارج، می‌تواند از طریق کاهش اتلاف منابع و بهبود تخصیص بودجه، به کاهش فقر منجر شود.

در مقابل، یکی از تفاوت‌های قابل‌توجه این پژوهش با بخشی از پیشینه تحقیق، اثر مثبت هزینه‌های آموزش بر فقر است. درحالی‌که مطالعاتی مانند(2022) Rahman ، (2023) Khatun و (2024) Singh نشان داده‌اند که مخارج آموزشی در بلندمدت موجب کاهش فقر و بهبود توسعه انسانی می‌شود، نتایج پژوهش حاضر حاکی از اثر افزایشی هزینه‌های آموزش بر فقر در دوره موردمطالعه است. این تفاوت را می‌توان با تأکید Al Mamun et al. (2025) و UNDP (2020) بر «کارایی و کیفیت هزینه‌کرد» توضیح داد؛ بدین معنا که صرف افزایش بودجه آموزش، بدون توجه به کیفیت آموزش، مهارت‌محوری و انطباق با بازار کار، لزوماً به کاهش فقر منجر نمی‌شود و حتی می‌تواند در کوتاه‌مدت فشار مالی ایجاد کرده و اثر معکوس داشته باشد.

در مورد هزینه‌های دفاعی، یافته پژوهش حاضر که اثر مثبت و معنادار این متغیر بر فقر را نشان می‌دهد، با نتایج(2022) Rahman ، Khatun (2023)، ADB (2021) و Fernández Salguero (2025) هم‌خوانی کامل دارد. این مطالعات تأکید می‌کنند که افزایش مخارج دفاعی، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، موجب انحراف منابع از بخش‌های اجتماعی و توسعه‌ای شده و روند فقرزدایی را تضعیف می‌کند؛ بنابراین، نتایج تحقیق حاضر این دیدگاه را در چارچوب داده‌های پنلی کشورهای جنوب آسیا تأیید می‌نماید.

درمجموع، مناقشه نتایج نشان می‌دهد که یافته‌های این پژوهش در اکثر موارد با ادبیات نظری و تجربی موجود هم‌سو بوده و به‌ویژه نقش تعیین‌کننده مخارج بهداشت، زیرساخت و حمایت اجتماعی در کاهش فقر را تأیید می‌کند. تفاوت مشاهده‌شده در اثر هزینه‌های آموزش نیز نه‌تنها تناقض اساسی با پیشینه تحقیق ایجاد نمی‌کند، بلکه بر اهمیت کارایی، هدفمندی و کیفیت هزینه‌های دولت تأکید نموده و ارزش افزوده علمی پژوهش حاضر را افزایش می‌دهد.

۳-۵ .پیشنهادهای سیاست‌گذاری

۱ .**ترکیب‌بندی بودجه :**دولت‌ها باید با افزایش تدریجی و هدفمند سهم بودجه در بخش‌های حمایت اجتماعی، بهداشت اولیه و زیرساخت‌های محروم زدا، ترکیب مخارج را به نفع رشد فراگیر تغییر دهند. ایجاد «بودجه رفاه اجتماعی» یکپارچه می‌تواند گامی مؤثر باشد.

۲ .**تحول در نظام آموزشی :**سیاست آموزش باید از تمرکز بر «ورودی» (بودجه) به «خروجی» (یادگیری و مهارت‌های شغلی) تغییر کند. اولویت‌ها باید شامل: بهبود کیفیت معلمان، تقویت آموزش فنی و حرفه‌ای منطبق بر نیاز بازار و تضمین دسترسی عادلانه دختران و روستاییان باشد.

۳ .**بازنگری استراتژیک در هزینه دفاعی :**انجام بررسی‌های امنیتی–اقتصادی جامع برای تعیین سطح بهینه و کارآمد هزینه دفاعی ضروری است تا منابع حیاتی از بخش توسعه انسانی منحرف نشود.

۴ .**تقویت نهادهای مالی و شفافیت :**استقرار نظام‌های نظارتی قوی، بودجه‌ریزی شفاف و مشارکت محور و مبارزه با فساداداری، کارایی هر نوع مخارجی را افزایش داده و اطمینان می‌دهد منابع به دست نیازمندان واقعی می‌رسد.

۵. **جهت‌گیری تحقیق‌های آتی :**پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی با استفاده از داده‌های خرد (خانوار) و روش‌هایی مانند تحلیل مسیر، به بررسی مکانیسم‌های دقیق‌تر اثرگذاری هر بخش (مانند نقش واسطه‌ای اشتغال یا بهره‌وری) بپردازند. همچنین، بررسی نقش تعدیل گری شاخص‌های حکمرانی در رابطه بین مخارج و فقر می‌تواند بینش ارزشمندی ارائه دهد.

۶. منابع و مآخذ

1. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty*. Crown Publishers.
2. Aghion, P., & Howitt, P. (2021). *The Power of Creative Destruction: Economic Upheaval and the Wealth of Nations*. Harvard University Press.
3. Ahmed, S., & Maria, R. (2024). The Fiscal Trade-off: Defense Spending and Social Sector Compression in Pakistan. *Pakistan Development Review, 61*(1), 55-78.
4. Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics, 95*(7–8), 476–487.
5. Ansari, M., Nazari, S., & Sharifi, A. (2022). Evaluating the Impact of the National Solidarity Programme (NSP) on Rural Livelihoods in Afghanistan. *World Development Perspectives, 25*, 100397.
6. Aschauer, D. A. (1989). Is public expenditure productive? *Journal of Monetary Economics, 23*(2), 177-200.
7. Asian Development Bank (ADB). (2021). *Public Sector Investment and Poverty Dynamics in South Asia*. Manila: ADB.
8. Asian Development Bank (ADB). (2022). *Rural Connectivity and Poverty Reduction in Afghanistan and South Asia*. Manila: ADB.
9. Barfield, T. (2021). Governance, Public Spending, and Poverty in Afghanistan. *Central Asian Survey, 40*(3), 378-399.
10. Bärnighausen, T., Bloom, D., & Humair, S. (2020). Health expenditures and poverty reduction: Evidence from South Asia. *Health Policy and Planning, 35*(10), 1256-1266.
11. Barro, R. J. (2021). Government spending and economic growth: New evidence from developing countries. *Journal of Economic Growth, 26*(2), 145-166.
12. Bashir, M., Khan, R., & Ali, S. (2024). Socioeconomic inequalities in out-of-pocket and catastrophic health expenditures in Pakistan. *International Journal of Public Health, 69*(4), 210-229.
13. Becker, G. S. (1964). *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis*. University of Chicago Press.
14. Beck, N., & Katz, J. N. (1995). What to do (and not to do) with time-series cross-section data. *American Political Science Review, 89*(3), 634–647.
15. Best, J. (2022). The economic impacts of cash transfers: A systematic review. *Journal of Development Economics, 157*, 102876.
16. Calderón, C., & Servén, L. (2014). *Infrastructure, Growth, and Inequality: An Overview*. World Bank Policy Research Working Paper No. 7034.
17. Calderón, C., & Servén, L. (2018). *Infrastructure and poverty reduction in South Asia: Evidence from panel data*. World Bank.
18. Beck, N., & Katz, J. N. (1995). What to do (and not to do) with time-series cross-section data. *American Political Science Review, 89*(3), 634–647.
19. Best, J. (2022). The economic impacts of cash transfers: A systematic review. *Journal of Development Economics, 157*, 102876.
20. Calderón, C., & Servén, L. (2014). *Infrastructure, Growth, and Inequality: An Overview*. World Bank Policy Research Working Paper No. 7034.
21. Calderón, C., & Servén, L. (2018). *Infrastructure and poverty reduction in South Asia: Evidence from panel data*. World Bank.
22. Chatterjee, S., & Ghosh, S. (2023). Subnational Governance and the Efficacy of Public Health Expenditure in India. *Health Economics, 32*(4), 789-810.
23. EU-UNICEF. (2023). *Public Finance Facility in South and Southeast Asia: Phase 1*. Brussels: EU-UNICEF.

24. Faruque, M. (2021). Impact of public and private investments on economic growth of developing countries. *Journal of Development Economics, 15*(2), 45-70.
25. Fernández Salguero, P. (2025). The effects of International Monetary Fund programs: A systematic review on poverty, inequality and social indicators. *Economic Policy Review, 21*(2), 101-129.
26. Gemmell, N., Misch, F., & Moreno-Dodson, B. (2020). *Growth and welfare effects of fiscal policy in developing countries*. World Bank Policy Research Working Paper No. 9187.
27. Gupta, S., Jalles, J. T., & Mulas-Granados, C. (2022). *For Better or for Worse? Fiscal Policy and Inequality in the Post-COVID Era*. IMF Fiscal Affairs Department.
28. Hellman, J. S., Jones, G., & Kaufmann, D. (2003). Seize the state, seize the day: state capture and influence in transition economies. *Journal of Comparative Economics, 31*(4), 751-773.
29. Kenny, C., & Moffitt, R. (2023). The economics of social safety nets. *Journal of Economic Literature, 61*(2), 545-588.
30. Khan, A. (2021). The effectiveness of targeted cash transfer programs in Pakistan. *Pakistan Journal of Applied Economics, 31*(2), 189-212.
31. Khatun, F., & Hossain, M. (2023). The differential impact of government spending on multidimensional poverty in Bangladesh. *World Development Perspectives, 30,* 100497.
32. Lucas, R. E. (1988). On the mechanics of economic development. *Journal of Monetary Economics, 22*(1), 3-42.
33. Al Mamun, M., & Rahim, M. (2025). Efficiency of public social spending and its impact on poverty in South Asia. *South Asian Journal of Development Studies, 12*(1), 23-46.
34. Morjaria, A., Gupta, R., & Sharma, N. (2023). The impact of India's PM-JAY health insurance scheme on financial protection and health outcomes. *The Lancet Regional Health - Southeast Asia, 10*, 100135.
35. North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press.
36. Pritchett, L. (2020). *The Rebirth of Education: Schooling Ain't Learning*. Center for Global Development.
37. Rahman, M. M., & Sharma, A. (2022). Public expenditure composition and poverty dynamics in South Asia: A panel data analysis. *Journal of Asian Economics, 78*, 101438.
38. Raju, D., & Sverdsten, N. (2020). *Governance and the Effectiveness of Public Spending in Developing Countries*. World Bank Policy Research Working Paper No. 9345.
39. Rasul, G., Bhattacharya, D., & Khatun, F. (2021). Socio-economic impacts of COVID-19 on the poor and informal workers in South Asia. *Journal of Asian Economics, 75*, 101336.
40. Romer, P. M. (1990). Endogenous technological change. *Journal of Political Economy, 98*(5, Part 2), S71-S102.
41. Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford University Press.
42. Sharma, A. (2022). Infrastructure investment and poverty reduction in rural India. *Indian Economic Review, 57*(2), 345-372.
43. Singh, A., & Mehta, R. (2024). A comparative study of government expenditure and poverty in India and Nepal. *South Asian Journal of Development Studies, 11*(3), 45-67.
44. Stiglitz, J. E. (2019). *People, power, and profits: Progressive capitalism for an age of discontent*. W. W. Norton & Company.
45. United Nations Development Programme (UNDP). (2020). *Human Development Report 2020*. New York: UNDP.
46. United Nations Development Programme (UNDP). (2022). *Global Multidimensional Poverty Index 2022*. New York: UNDP.
47. World Bank. (2019). *World Development Report 2019: The Changing Nature of Work*. Washington, DC: World Bank.
48. World Bank. (2022). *The State of Social Safety Nets 2022*. Washington, DC: World Bank.

49. World Bank. (2023). *Poverty and Shared Prosperity 2023: Correcting Course*. Washington, DC: World Bank.
50. World Food Programme (WFP). (2022). *Global Food Report 2022*. Rome: WFP.
51. World Health Organization (WHO). (2025). *COVID-19 health systems response in Nepal: Lessons for future pandemics*. Geneva: WHO.

Examining the Impact of Different Types of Government Expenditure on Poverty in South Asian Countries from 2014 to 2023

Sediqullah Azizi[10] and Mostafa Ebrahimi[11]

Abstract

The persistence of poverty alongside economic growth in South Asia has raised serious questions regarding the quality of public budget allocation. This study aims to conduct a disaggregated analysis of the impact of government expenditure shares across various operational sectors on poverty rates in eight South Asian countries. This applied research employs a descriptive-analytical method with a quantitative approach. Balanced panel data from 2014 to 2023 for Afghanistan, Bangladesh, Bhutan, India, Maldives, Nepal, Pakistan, and Sri Lanka were utilized. The dependent variable is the poverty rate based on the international poverty line of $2.15, while the independent variables are the ratios of expenditures on health, education, infrastructure investment, social protection, defense, and public administration to total government expenditure. The final model was estimated using the fixed effects method with panel-corrected standard errors.

The results indicate that an increase in the share of expenditures on health, infrastructure, social protection, and public administration has a significant poverty-reducing effect. Conversely, an increase in the share of expenditures on education and defense is associated with a rise in poverty rates. The strongest positive effect (poverty reduction) was observed for social protection (coefficient: -4.69), while the strongest negative effect (poverty increase) was associated with education (coefficient: +3.33). The composition of government expenditure is a key factor in poverty alleviation. The findings suggest that focusing on targeted social and infrastructure spending is a more effective strategy for reducing poverty in the South Asian region compared to merely increasing the budget allocation for inefficient educational sectors or defense.

Keywords: Productive Government Expenditure, Multidimensional Poverty, Panel Data, Efficient Fiscal Policy, Inclusive Development.

10 Master's Student, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan, azizisediq786@gmail.com
11 Faculty Member, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan, mustafa.ibrahimi@kateb.edu.af